



## دینداری، اخلاق حرفه‌ای حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی

اسماعیل خوشبخت<sup>۱</sup>

امیرحسین تائبی نقندری<sup>۲</sup>

حدیث زینلی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

### چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی با تأکید بر نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای حسابداران در ایران است. اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از طریق پرسشنامه انجام شد. بدین منظور ۴۰۰ پرسشنامه در بین اعضای کارشناسان رسمی دادگستری حسابداری و حسابرسی در کل ایران توزیع شد. در نهایت ۳۱۲ فقره آن قابل قبول برای تجزیه و تحلیل واقع گردید. جهت بررسی فرضیات از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و برای تحلیل از نرم‌افزار آموس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد و بر اخلاق حرفه‌ای حسابداران تأثیر مثبت و معناداری می‌گذارد. همچنین، دینداری موجب می‌گردد تا حسابداران از سطح اخلاقی بالاتری برخوردار باشند و این سطح اخلاقی بالاتر عاملی مؤثر در کاهش تقلب در گزارشگری مالی توسط حسابداران است که نشان می‌دهد اخلاق حرفه‌ای حسابداران، رابطه بین دینداری آن‌ها و تقلب‌های گزارشگری را توضیح می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق حرفه‌ای، دینداری، تقلب‌های گزارشگری مالی، معادلات ساختاری.

۱- گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. e.khoshbakht@yahoo.com  
۲- گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. نویسنده مسئول. taebi@iauk.ac.ir  
۳- گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. hadisazeinali@gmail.com

## ۱- مقدمه

حرفه حسابداری یکی از متشکل‌ترین و منضبط‌ترین حرفه‌های دنیا است و به دلیل نوع و ماهیت خدماتی که ارائه می‌کند باید اعتبار و اعتماد خاصی داشته باشد. تداوم این اعتبار و اعتماد، به پایبندی فکری و عملی اعضای حرفه به ضوابط رفتاری و اخلاقی آن بستگی دارد (کمیت‌ه حسابرسی، ۱۳۸۵)؛ اما متأسفانه رخدادهای اخیر حسابداری در جهان و بررسی روند گزارشگری در ایران و سایر کشورها نشان‌دهنده قصورات و تقلب در این حرفه است. با بروز بحران مالی در شرکت‌هایی همچون انرون، گلوبالکراسینگ و ورلد‌کام، مسئله تقلب در گزارشگری مالی بر اقتصاد، سیاست و سرمایه‌گذاری‌ها و بازارهای مالی تأثیر بسزایی داشته است (رابینسون<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). امروزه مجامع قانون‌گذار، حرفه حسابداری و مدیریت به علل ایجاد تقلب و راه‌های موجود به منظور جلوگیری از وقوع رفتار متقلبانه در گزارشگری مالی توجه خاصی کرده‌اند (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

تقلب به عنوان یک رویداد در هر دو چارچوب کلان و خرد، پیش‌بینی پذیر است، زیرا هر معلولی باید شرایطی داشته باشد تا ایجاد شود. در سطح کلان یک همبستگی بین وضع عمومی اقتصاد، صنعت و میل به تقلب وجود دارد. در سطح خرد، پیش‌بینی پذیری تقلب از این بینش برمی‌آید که بیشتر تقلب‌ها دارای ویژگی‌های مشترک هستند. یک کادر حرفه‌ای حسابداری می‌تواند از طریق پایبندی به اصول دینی، اخلاق حرفه‌ای و مراقبت حرفه‌ای از وقوع و انجام تقلب جلوگیری کند (وکیلی فرد و همکاران، ۱۳۸۸)؛ بنابراین، حضور تقلب به‌عنوان عاملی بحران‌زا در عرصه مالی، تهدیدی جدی برای اعتماد عمومی به اطلاعات مالی و فرآیند گزارشگری مالی محسوب می‌شود و هزینه‌ها و پیامدهای سنگینی برای گروه‌های مختلف به دنبال دارد.

از سوی دیگر، موضوعات حوزه تقلب در گزارشگری مالی واکنش گسترده قانون‌گذاری و حرفه حسابداری را در پی داشته که در قالب بیانیه‌ها و قوانین و نظیر آن متجلی شده است. تقلب در سال‌های اخیر، به اشکال مختلف در عرصه‌های ملی و بین‌المللی ظهور و روزبه‌روز رو به افزایش بوده و ضرورت دارد حوزه‌های مختلف از جمله دانش حسابداری و حسابرسی، با هدف و رویکرد تخصیص بهینه منابع از وقوع تقلب جلوگیری و نسبت به افشای آن اقدام نمایند. تقلب موجب ضایع شدن منابع مالی و غیرمالی جامعه گردیده و بی‌شک تنزیل سطح رفاه عمومی اجتماع را به دنبال دارد (دوانی، ۱۳۹۲). تقلب بر کیفیت گزارشگری مالی، تأثیر منفی بسزایی داشته و انحراف در گزارشگری برای طیفی وسیعی از استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، خصوصاً صاحبان سهام را از نظر مطلوبیت ارائه، فراهم می‌سازد.

تاکنون پژوهش‌های مختلفی جهت بررسی و شناسایی تقلب بکار گرفته شده‌اند؛ اما اکثر پژوهش‌های با استفاده از اطلاعات مالی به پیش‌بینی تقلب پرداخته است و کمتر به حوزه‌های رفتاری حسابداران توجه

<sup>1</sup> Robinson

نموده‌اند. از جمله عوامل رفتاری که می‌تواند بر جلوگیری از گزارشگری مالی متقلبانه تأثیرگذار باشد، میزان اعتقاد و پایبندی حسابداران به اصول اخلاقی و دینداری (روو و ماسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷؛ والار، بیزیک، کریزات و روسکونی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ پاینه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰) آنان است؛ زیرا اعتقادات دینی و اصول اخلاقی حسابداران از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عوامل شخصی و رفتاری حسابداران می‌باشد.

از آنجایی که می‌توان علاوه بر پیش‌بینی‌های مالی بر جلوگیری از تقلب پرداخت، دینداری و باورهای مذهبی، یکی از مهم‌ترین عوامل رفتاری است که بر این پدیده تأثیرگذار است. در واقع حسابدارانی که دارای اعتقادات مذهبی هستند و مذهب را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر قرار نداده‌اند در برابر تقلب در گزارشگری مالی مصونیت بیشتری دارند. لذا تقویت نگرش دینی و مذهبی می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر سوءاستفاده‌ها و تقلب‌ها، ارتقاء دهنده سلامت گزارشگری مالی و اطمینان اعتباردهندگان، سهامداران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی باشد. با توجه به شرایط دینی و اسلامی کشور ایران، انتظار می‌رود حسابداران از سطح دینداری بیشتری برخوردارند و رضایت و جنبه‌های اخروی تهیه گزارش‌های خارج از اصول حسابداری و گمراه کردن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را در نظر می‌گیرند. از این رو با بررسی میزان دینداری حسابداران در پژوهش حاضر، می‌توان شکاف به وجود آمده تقلب و نگرانی سهامداران در حوزه حسابداری را مورد بررسی قرار داد و یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهگشای مشکلات مربوط در این حرفه باشد.

بنابراین، در نگاه اول انتظار می‌رود که اگر فرد حسابدار از اصول دینی بالایی برخوردار باشد، این عامل بر سطح اخلاقی وی تأثیرگذار است و مانع می‌شود تا شخص حسابدار گزارشات و صورت‌های مالی را خارج از اصول حسابداری تهیه کند؛ اما گاهی این اتفاق نمی‌افتد و در مواردی نتیجه برعکس است. در حقیقت، اگر دینداری باعث بهبود سیستم اخلاقی نشود به تنهایی نمی‌تواند باعث کاهش آثار سو در رفتارهای متقلبانه گردد. به شکلی که دینداری فاقد اخلاق بیشتر به صورت رفتارهای ریاکارانه‌ای خواهد بود که نه تنها باعث کاهش تقلب نمی‌شود، بلکه آن را افزایش خواهد داد. مدیران و حسابداران در نبود تعهد اخلاقی صورت‌های مالی را خوش آب و رنگ جلوه می‌دهند و برای رهایی از تهدیدات مدیریت بدون توجه به اصول اخلاقی دست به تغییر اعداد و ارقام می‌زنند (مهدوی‌خو و ختن‌لو، ۱۳۸۷). این تحقیق سعی دارد که اخلاق را به‌عنوان یک متغیر پنهان در رابطه بین دینداری و تقلب مورد مطالعه قرار دهد و یافته‌های آن می‌تواند این خلاء تحقیقاتی حاضر را پر نماید.

با توجه به این‌که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تقلب‌های گزارشگری بر طبق داده‌های مالی است، پژوهش حاضر با استفاده از عوامل رفتاری به بررسی تقلب‌ها می‌پردازد و راه‌کارهای مناسبی را جهت

<sup>1</sup> Rowe & Mason

<sup>2</sup> Vallar, Bisiach, Cerizzat, & Rusconi

<sup>3</sup> Payne

بهبود کار ارائه می‌دهد. اهمیت پژوهش حاضر در این است که به پرسش‌های مطرح شده در بالا پاسخ می‌دهد و همچنین، تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی بررسی و نقش اخلاق حرفه‌ای در حسابداری را به‌عنوان یک متغیر میانجی بر این رابطه توضیح می‌دهد. همچنین، این تحقیق می‌تواند به غنی‌تر شدن ادبیات حسابداری در زمینه تقلب، دینداری و اخلاق کمک نماید. افزون بر این، در پژوهش‌های حاضر در سطح ملی کمتر به دیدگاه کارشناسان رسمی دادگستری در رشته حسابداری پرداخته شده است و این تحقیق سعی در پر کردن این مسئله را دارد.

در ادامه مقاله ابتدا به مبانی نظری و پیشینه پژوهش اشاره می‌شود. در بخش بعدی به بررسی فرضیه‌ها، روش‌های آماری و متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود. در نهایت هم به یافته‌ها، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش اشاره می‌شود.

## ۲- پیشینه نظری و تجربی پژوهش

### ۲-۱- تقلب در گزارشگری مالی

بورس اوراق بهادار به عنوان ابزار تخصیص منابع به شرکت‌ها، از منابع اطلاعاتی مختلفی برای انجام این مهم استفاده می‌کند و دسترسی به منابع اطلاعاتی قابل اعتماد، لازمی برای کارایی تخصیص منابع است. گزارشگری مالی متقلبانانه منجر به ارائه اطلاعات ناصحیح به بازار می‌شود و بر دارایی بازار در تخصیص منابع اثر می‌گذارد که پیامد آن سلب اعتماد سرمایه‌گذاران از بازار خواهد بود. در این راستا، با هدف حفظ منافع سرمایه‌گذاران و بهبود کارایی تخصیص بازار، حسابرسان وظیفه بررسی و تأیید صحت و سقم اطلاعات گزارشگری مالی و مطلوب بودن ارائه آن‌ها را بر عهده دارند و برای این کار باید شناخت و درک مناسبی از تقلب و راه‌کارهای مقابله با آن داشته و بر مسئولیت‌های خود در این زمینه آگاه باشند (حسینی و جهانشاد، ۱۳۹۸).

مهدوی و قهرمانی (۱۳۹۳) تقلب در صورت‌های مالی را شامل هرگونه اقدام عمدی توسط شرکت برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان از این صورت‌های مالی به‌ویژه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از طریق تهیه و انتشار صورت‌های مالی حاوی اشتباه با اهمیت بیان می‌کند. بر اساس استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران، «تقلب» عبارت است از «هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه‌ی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی. هرچند تقلب یک مفهوم قانونی گسترده دارد، اما آنچه به حسابرس مربوط می‌شود، اقدامات متقلبانانه‌ای است که به تحریف مهم در صورت‌های مالی می‌انجامد. هدف برخی از تقلب‌ها ممکن است تحریف صورت‌های مالی نباشد. حسابرسان درباره‌ی وقوع تقلب قضاوت حقوقی نمی‌کنند».

گزارشگری مالی متقلبان به تحریف یا حذف مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی به عمد و برای فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی سروکار دارد و می‌تواند شامل موارد زیر باشد (استانداردهای حسابرسی شماره ۲۴۰، بند ۶):

- فریب‌کاری از قبیل سندسازی و دستکاری یا تغییر سوابق حسابداری یا مدارک پشتوانه‌ی تهیه صورت‌های مالی.
- ارائه نادرست یا حذف عمدی رویدادها، معاملات یا سایر اطلاعات مهم در صورت‌های مالی.
- به‌کارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا به عمد.

تقلب معضل وسیعی است که هیچ مرز، صنعت، کشور و اندازه شرکتی نمی‌شناسد. محققان از کشف ویژگی‌های مردم‌شناسی متقلبان عاجز مانده‌اند. ویژگی‌های این افراد تفاوت چندانی با افراد عام ندارد و به عبارت دیگر هر شخصی می‌تواند، مرتکب تقلب گردد و با ایجاد پاره‌ای از شرایط، هر شخصی قادر به انجام تقلب است. پژوهش‌گران بر این باورند که ساخته عنصر در ارتکاب تقلب از سوی افراد دخیل می‌باشند. اول باید انگیزه یا فشاری برای انجام تقلب وجود داشته باشد که غالباً به شکل نیاز بروز پیدا می‌کند. دوم باید فرصت مغتنمی برای انجام تقلب وجود داشته باشد. ضعف یا نبود کنترل‌های داخلی به وجود آمدن این فرصت کمک می‌کند. سومین عنصر بهانه‌تراشی یا توانایی افراد متقلب، دریافتن معذوریت‌های قابل قبول وجدانی برای توجیه عملشان است. شرکت‌ها می‌توانند با حذف هر یک از این عوامل خطر وقوع تقلب را کاهش دهند. اگر کارمندان از وجود کنترل‌های داخلی آگاه باشند، احتمال این که مرتکب تقلب گردند کاهش می‌یابد. راه‌حل جلوگیری از تقلب تزییق این نکته به کارکنان است که اگر مرتکب تقلب گردند، قطعاً گرفتار می‌گردند. این هدف از طرق زیر قابل حصول است:

سیستم کنترل داخلی قوی، حضور مداوم حسابرسان داخلی، پرس‌وجو پیرامون تقلب از کارکنان و آموزش گسترده در سطح شرکت برای شناخت علائم هشدار دهنده تقلب. به علاوه مدیریت باید نتایج بررسی‌های موارد تقلب را در اختیار کارکنان قرار دهد و به آن‌ها بفهماند که فعالیت‌های متخلفانه قابل تحمل نخواهد بود و منجر به اخراج آن‌ها می‌گردد. برای انجام تقلب، شخص متقلب باید شخص قابل اطمینانی باشد. کارمندی که قابل اعتماد نیستند، همواره بر مسئولیت‌های کاری آن‌ها نظارت می‌شود. اعتماد کورکورانه جایگزین کنترل داخلی نیست (دریایی و همکاران، ۱۳۹۹).

در پژوهش‌های داخلی پورحیدری و بذرافشان (۱۳۹۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نوع جنسیت، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات و تجربه حسابرسان تأثیر چندانی در تعیین میزان اهمیت بسترهای خطر تقلب ندارد. همچنین نوع جنسیت، در ارزیابی اهمیت بسترهای خطر تقلب مربوط به گروه‌های "ویژگی‌های مدیریت و نفوذ آن بر محیط کنترلی" و "ویژگی‌های عملیاتی و ثبات مالی" اثری معنادار دارد. در خصوص اقلام مالی تقلب نیز نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) نشان دادند که متغیرهای عدالت سازمانی، نگرش در مورد

گزارشگری، ویژگی شخصیتی فعال، دینداری و شدت اخلاقی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب هستند و تأثیر متغیر هزینه شخصی گزارشگری معنادار نیست. همچنین یافته‌های آن‌ها حاکی از آن بود که متغیرهای عدالت سازمانی، شدت اخلاقی و نگرش در مورد گزارشگری به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر قصد گزارش موارد تقلب در اقلام مالی است. در ارتباط با توانایی‌های مدیریت یافته‌های رضازاده و محمدی (۱۳۹۹) حاکی از آن بود که بین توانایی مدیریتی و گزارشگری مالی متقابلانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با دولت، تأثیر توانایی مدیریتی در کاهش تقلب در گزارشگری مالی را تضعیف نمی‌کند.

پژوهش‌هایی خارجی که در ارتباط با تقلب پرداخته شد، کپلن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در کانال محرمانه، در مورد اشخاص مورد آزمون قصد گزارشگری زن‌ها بیشتر از مردها است، اگر چه رابطه جنسیت شخص مرتکب شونده تقلب و تعامل بین متغیرهای جنسیت با قصد گزارشگری معنادار نبود. همچنین رابطه هیچ یک از متغیرهای جنسیت و تعامل بین آن‌ها با قصد گزارشگری تقلب در صورت‌های مالی با استفاده از کانال گزارشگری غیرمحرمانه معنادار نبود. همچنین، گائو و همکاران (۲۰۱۵) هم در ارتباط با جنسیت نشان دادند که جنسیت تأثیر معناداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی دارد و قصد زنان بیشتر از مردان است. آلین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) هم در ارتباط با انگیزه‌های مالی تقلب در پژوهش خود نشان دادند که این عامل تأثیر مثبت و معناداری بر قصد گزارشگری تقلب دارد. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان داد که تأثیر انگیزه‌های مالی بر قصد گزارشگری تقلب، با ادراک از جدیت تقلب تعدیل می‌گردد. در خصوص رتبه‌بندی عوامل تقلب یان‌هانگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۸) با استفاده از تکنیک AHP نشان دادند که مهم‌ترین عامل در وقوع تقلب، فشار با انگیزه و کم‌اهمیت‌ترین عامل نگرش یا عقلانیت است. علاوه بر این، پنج عامل مهم دیگر در وقوع تقلب عبارتند از: عملکرد ضعیف، نیاز به تأمین مالی خارجی، بحران مالی، نظارت ناکافی هیئت‌مدیره و رقابت یا اشباع بازار است. همچنین، سادگالی و بنابو<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان عملکرد تکنیک‌های یادگیری ماشینی در کشف تقلب، به بررسی جامع روش‌های کشف تقلب مالی با استفاده از روش‌های داده‌کاوی پرداختند. آن‌ها دریافتند که روش‌های هوش مصنوعی در مقایسه با رگرسیون لجستیک از عملکرد بهتر و دقیق‌تری در پیش‌بینی تقلب برخوردار است.

## ۲-۲- مفهوم دینداری

تعریف مفهومی دینداری<sup>۴</sup> که در برخی از مطالعات در معنای دینی بودن، التزام دینی<sup>۵</sup> و پایبندی دینی آمده است مبتنی بر تعریف دین است (سراج زاده، ۱۳۸۳). بر این مبنا اولاً دینداری صفت مفهوم دین است

<sup>1</sup> Kaplan

<sup>2</sup> Alleyne

<sup>3</sup> Yan Huang

<sup>4</sup> Sadgali & Benabbou

و دوم اینکه به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه بین دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. به عبارت دیگر دین یک مفهوم کلی و دینداری مصداق و جلوه‌ای از آن است. بنابراین دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار با درجات یا از جهات مختلف می‌کوشد خود را با یک منبع فیاض که از نظر وی در دین متبلور است، هم‌ذات گرداند و بر این اساس میزان و جهت هم‌ذات انگاری فرد با دین مورد نظر وی دینداری‌اش را روشن می‌سازد (میرسندهی، ۱۳۸۳).

از نظر شجاعی (۱۳۸۴) دیندار عنوان عامی است که به هر فردی که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در او متجلی شده باشد اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جستجو کرد. فرد دیندار خود را مقید به رعایت دستورات و توصیه‌های دینی می‌داند و همین تقید و اهتمام او به آموزه‌ها و دستورات دینی، او را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد. بر این اساس به دو طریق می‌توان فرد دیندار را از دیگران بازشناخت:

نخست پایبندی و التزام دینی فرد و دوم پیامد دینداری و آثار آن در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. پس به بیان کلی‌تر دینداری یعنی داشتن التزام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. عمق و شدت تأثیرگذاری و روند تغییرات آن مشخصاتی است که از طریق واری‌های بیرونی روانشناسان و جامعه‌شناسان به دست می‌آید و لاجرم در آن از روش‌های تجربی-مقایسه‌ای استفاده می‌شود. بر اساس دینداری در پژوهش حاضر، این متغیر به پنج بعد باور، مناسکی، تجربه، فکری و پیامدی تقسیم می‌شوند.

**۱) بعد باور:** به نوعی، دکتترین هر دین محسوب می‌شود؛ شامل باورهایی که انتظار می‌رود پیروان، به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. «گلاک» و «استارک» این باورها را در هر دین خاص، به سه نوع باور، تقسیم کرده‌اند: الف) باورهای پایه‌ای مسلم؛ که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست؛ ب) باورهای غایت‌گرا؛ که هدف و خواست خداوند از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایانند؛ و ج) باورهای زمینه‌ساز؛ که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن‌ها توجه کند، دربر می‌گیرد (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

**۲) بعد مناسکی:** این بعد اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس، روزه گرفتن و غیره را دربر می‌گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که، در عملیاتی کردن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن عمل نیز بررسی شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

**۳) بعد تجربه:** تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آئینی نمود بیرونی ندارد.

بعد تجربی یا احساسات دینی که عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی متعالی و غایی است، به چهار شکل توجه، شناخت، ایمان و ترس نمود می‌یابد (سراج زاده، ۱۳۸۳).

۴) **بعد فکری یا دانش دینی:** این بعد همان آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و استارک بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره‌ی مذهب می‌آموزند. بعد فکری و دانش دینی شامل اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی است که انتظار می‌رود پیروان آن‌ها را بدانند (سراج زاده، ۱۳۸۳).

۵) **بعد پیامدی:** بعد پیامدی به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است. بعد پیامدی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (سراج زاده، ۱۳۸۳).

### ۲-۳- تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی

نظریه هنجار اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که هنجارهای اجتماعی بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند؛ زیرا افراد ترجیح می‌دهند مطابق با گروه هم‌سالان خود باشند (پدنیولت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) و در نتیجه از هزینه و یا مجازات‌های مرتبط با رد استاندارد، ارزش‌ها و یا باورهایی که قابل قبول و مناسب در نظر گرفته شده‌اند، جلوگیری می‌کند (پوردا و کیلی کورن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵)؛ بنابراین، نظریه هنجارهای اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که دین و دینداری مدیران، متأثر از هنجارهای مذهبی و دینی در یک منطقه جغرافیایی محلی خواهد شد. به این دلیل که هنجارهای اجتماعی دینی مردم محلی یک عنصر مهم محیطی می‌باشد که مدیران در آن زندگی می‌کنند و به کار و فعالیت مشغولند (پدنیولت، ۲۰۱۰). اهمیت هنجارهای اجتماعی دینی در یک جامعه نقش مهمی در پابندی افراد به یک هنجار اجتماعی بازی می‌کند (بی‌شاپ و هیدوسکی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). به عنوان مثال، بی‌شاپ و هیدوسکی (۲۰۰۹) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا افراد به فرار مالیاتی روی می‌آورند و یا از تجهیزات کارفرما برای منافع شخصی استفاده می‌کنند یا خیر. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سطح دینداری فرد و به طور کلی سطح مذهب و دینداری جامعه محلی رابطه منفی با فرار مالیاتی افراد و یا استفاده از تجهیزات کارفرما برای منافع شخصی دارد (بی‌شاپ و هیدوسکی، ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد تجربه‌های معنوی و مذهبی انسان در اشتیاق او نسبت به یک واقعیت فرا مادی نمایانگر می‌شود. باورهای دینی مجموعه رفتارها، باورها و نگرش‌های مرتبط با اصول دین، فروع دین و دیگر حیطه‌های مرتبط با مذهب است. مذهب به مجموعه‌ای از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌هایی اطلاق می‌شود که تلقین آن‌ها می‌تواند شیوه زندگی فرد را تعیین کند. باورهای دینی به معنای خاص همیشه باورهای مشترک جماعت معینی هستند که از گرویدن به آن باورها و عمل

<sup>1</sup> Pedneault

<sup>2</sup> Purda and Skillicorn

<sup>3</sup> Bishop & Hydoski



کردن به مناسک همراه با آن‌ها به خود می‌بالند. این باورها نه به عنوان امری فردی که همه اعضای جماعت آن را پذیرفته‌اند، بلکه در حکم امری متعلق به تمامیت گروه تلقی می‌شوند و جزئی از وحدت گروه را تشکیل می‌دهند (دورخیم، ۱۳۸۳). آلپورت<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) جهت‌گیری دینی را به صورت اعتقادات دینی افراد در زندگی شخصیشان می‌داند و دو نوع جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی را از هم متمایز می‌کند. افرادی که دارای گرایش دینی درونی هستند، دینی را که پذیرفته‌اند درونی کرده و آن را تمام و کمال در زندگی خود به کار می‌گیرند. اینان با الگوی رفتاری و اعتقادی دینی‌شان زندگی می‌کنند و دین را فلسفه زندگی خود می‌دانند. افرادی که دارای گرایش دینی بیرونی هستند، دین را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود مورد استفاده قرار می‌دهند، بیشتر بر اثر اجبار اجتماعی، مذهب را می‌پذیرند و برای کسب مادی و حفظ جایگاه اجتماعی، به اعمال مذهبی و دینی مبادرت می‌ورزند (آلپورت، ۱۹۶۶).

دین با تأکید بر اهمیت کلی رفتار اخلاقی، رهنمودهای خاصی را ارائه می‌کنند و پیروانی با یک زبان یا مجموعه‌ای از گروه‌ها برای توصیف و درک تجارب اخلاقی یا غیراخلاقی فراهم می‌آورند (الیس، ۲۰۰۴). مک‌گویر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند در جامعه‌ای که تا حدی هنجارهای اجتماعی دینی برجسته می‌باشد، مدیران به احتمال زیاد در فرایند تصمیم‌گیری خود هنجارهای دینی را در نظر می‌گیرند. به‌عنوان مثال، به اعتقاد مردم، مدیران رده میانی و با سطح دینداری بالا می‌توانند فشار را از مدیران رده بالایی برای دستکاری در نتایج و گزارشگری مالی کاهش دهند؛ زیرا مدیران رده بالا فرض می‌کنند که مدیران رده میانی و با سطح دینداری بالا بعید است با یک عمل غیراخلاقی بالقوه کسب‌وکار موافقت کرده و درگیر آن شوند. به‌طور مشابه، مدیران شرکت‌های واقع در مناطق مذهبی تر کمتر احتمال دارد تحت فشار برای دستکاری در نتایج مالی باشند؛ زیرا مدیرعامل شرکت و یا تیم مدیریت به احتمال زیاد چنین رفتاری را غیراخلاقی در پرتو شرایط و شواهد می‌بینند.

در ایران نیز مهدوی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود دریافتند که دینداری تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که بعد اعتقادی نسبت به ابعاد دیگر همبستگی قوی‌تری با مشارکت اجتماعی دارد. در خصوص مدیریت سود و دینداری نیز سیاسی و حسنی (۱۳۹۵) نشان دادند که سطح دینداری مدیران با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه منفی و با مدیریت سود واقعی، رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین، باقری راغب و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر دینداری بر مدیریت استرس کادر فنی تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران با تأکید بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دینداری با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی بر مدیریت استرس کادر فنی تیم‌های لیگ برتر فوتبال ایران تأثیرگذار است. در نتیجه، سرمایه اجتماعی با افزایش درک حمایت اجتماعی که از طریق دینداری به دست می‌آید، بر مدیریت و کاهش استرس اثرگذار است.

<sup>1</sup> Allpot

<sup>2</sup> McGuire

در تکمیل مباحث دینداری در پژوهش‌های خارجی، گروئن و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر دینداری بر رفتارهای نادرست شرکت بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ پرداختند. یافته‌ها نشان داد که دینداری، رفتار غیراخلاقی مدیران شرکت را کاهش می‌دهد و شرکت‌هایی که مقر آن‌ها در نواحی با سطح بالاتری از دینداری قرار دارد، رفتار غیراخلاقی کم‌تری را نشان می‌دهند. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه منفی بین دینداری و مدیریت سود اقلام تعهدی است و بیان‌گر این است که اعتقادات دینی و مذهبی عامل مؤثری در کاهش مدیریت سود اقلام تعهدی است. در خصوص قوانین مذهبی و دینی نیز کای و شی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نشان دادند که شرکت‌هایی که در مناطق مذهبی بیشتری واقع شده‌اند، از تامین مالی کم‌تر بهره می‌برند و رتبه‌های اعتباری بهتری را دریافت می‌کنند. همچنین، سرمایه‌گذاران اوراق قرضه به بازده پایین‌تر نیاز دارند و قراردادهای کم‌تری را بر روی چنین شرکت‌هایی تحمیل می‌کنند.

#### ۲-۴- اخلاق حرفه‌ای

حرفه حسابداری چندین قاعده و اصل اخلاقی تدوین شده دارد که معیارهایی برای شیوه رفتار حسابداران و مهم‌تر از آن، در سایه بروز وقایع و رسوایی‌های مالی اخیر رخ داده شده، الزاماتی را در بر می‌گیرد که فراتر از پایبندی ساده به قانون می‌باشد. این اصول و قواعد و قوانین پیچیده معادل قوانین اخلاقی لازم‌الاجرای سازمانی است، در نتیجه برای تشریح آنچه که حسابداران به طور اخلاقی ملزم به انجام آن هستند سودمند خواهد بود. در کشور جمهوری اسلامی ایران سازمان حسابرسی، اصول و ضوابطی را در سال ۱۳۷۷ و با عنوان «آیین رفتار حرفه‌ای» منتشر نمود. همچنین جامعه حسابداران رسمی ایران نیز آیین رفتار حرفه‌ای لازم‌الاجرا برای اعضای جامعه را در سال ۱۳۸۲ منتشر کرده است.

با این وجود اصول اخلاقی حسابداری که تقریباً در همه انجمن‌های حسابداری مشترک بوده و باعث تامین اهداف حرفه حسابداری می‌شود به شرح زیر می‌باشد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱):

- **درستکاری:** حسابدار حرفه‌ای در انجام خدمات حرفه‌ای خود باید درستکار باشد. درستکاری تنها به معنای صادق بودن نیست بلکه برخورد منصفانه و صادقانه را نیز شامل می‌شود. اصل بی‌طرفی، حسابداران حرفه‌ای را به برخورد منصفانه، درستکارانه و به دور از تضاد منافع ملزم می‌کند. حسابداران حرفه‌ای در ابعاد مختلف به انجام خدمات حرفه‌ای می‌پردازند. صرفنظر از نوع یا اندازه خدمات حرفه‌ای، حسابداران حرفه‌ای باید در ارائه این خدمات، درستکاری را حفظ کنند و در قضاوت خود به رعایت کامل بی‌طرفی پایبند باشند.
- **صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای:** حسابدار حرفه‌ای باید خدمات حرفه‌ای را با دقت، شایستگی و پشتکار انجام دهد. وی همواره موظف است میزان دانش و مهارت حرفه‌ای خود را در سطحی نگاه دارد که بتوان

<sup>1</sup> Cai & Shi

اطمینان حاصل کرد، خدمات وی به گونه‌ای قابل قبول و مبتنی بر آخرین تحولات در حرفه و قوانین و مقررات ارائه می‌شود.

- **استقلال:** هنگامی که حسابدار حرفه‌ای مستقل مسئولیت انجام کاری را به عهده می‌گیرد که مستلزم گزارشگری حرفه‌ای است باید فاقد هرگونه نفع و علاقه‌ای، صرف‌نظر از آثار واقعی آن، باشد که ممکن است بر درستکاری، بی‌طرفی و استقلال وی تأثیر گذارد یا به نظر رسد که تأثیر می‌گذارد. حسابداران حرفه‌ای مستقل مورد نظر به اشخاص زیر محدود می‌شود:

الف - اشخاص حقیقی یا واحدهای انجام دهنده خدمات حرفه‌ای؛ ب - شرکا یا مالکین مؤسسه حرفه‌ای؛ پ - کلیه مدیران و کارکنان حرفه‌ای درگیر در انجام هر کاری که مستلزم گزارشگری حرفه‌ای است نسبت به همان کار.

- **رازداری:** حسابدار حرفه‌ای باید به محرمانه بودن اطلاعاتی که در جریان ارائه خدمات حرفه‌ای خود به دست می‌آورد توجه کند و نباید چنین اطلاعاتی را بدون مجوز صریح صاحبکار یا کارفرما، استفاده و یا افشا کند؛ مگر آن‌که از نظر قانونی یا حرفه‌ای حق و یا مسئولیت افشای آن را داشته باشد.

- **تضاد منافع:** حسابداران حرفه‌ای اغلب در فرایند ارائه خدمات حرفه‌ای خود با موضوع تضاد منافع روبرو می‌شوند. این گونه موارد تضاد منافع ممکن است به شکل‌های بسیار متفاوت، از موارد نسبتاً ساده تا مسائل پیچیده‌ای چون تقلب و اعمال غیرقانونی بروز کند. هرچند ارائه فهرستی جامع از کلیه مواردی که ممکن است در آن‌ها تضاد منافع پیش آید مقدور نیست، اما حسابدار حرفه‌ای باید همواره نسبت به شرایطی که منجر به بروز تضاد منافع می‌شود، هوشیار باشد (نشریه ۱۲۳ سازمان حسابرسی، ۱۳۸۵).

در پایان این بحث باید به این موضوع نیز اشاره نمود که امروزه اخلاق و رفتار حرفه‌ای در تمامی فعالیت‌هایی که درگیر با منافع عمومی هستند به یک امر بدیهی و اجتناب‌ناپذیر تبدیل گشته است و اطمینان یافتن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و از طرفی قابلیت اتکا به آن به میزان قابل توجهی بر این باور عمومی استوار است که حسابداران در جایگاه تهیه‌کنندگان و حساب‌رسان در جایگاه تأییدکنندگان این اطلاعات (که در اختیار عموم قرار گرفته است) پایبند بوده و ضمانت اجرایی لازم در رابطه با انحراف از آیین رفتار حرفه‌ای پیش‌بینی شده است (نمازی و رجب‌داری، ۱۳۹۶).

در خصوص تأثیر متغیرهای اخلاقی نیز پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. در ارتباط با رعایت اخلاق و قابلیت اتکاء صورت‌های مالی نیز، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که اخلاق حرفه‌ای در تمامی ابعاد درستکاری، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، رازداری، استقلال، تضاد منافع، رابطه تنگاتنگی با ابعاد ویژگی‌های قابلیت اتکاء صورت‌های مالی از جمله ارائه منصفانه، اثبات‌پذیری و بی‌طرفی دارد. با وجود این به نظر می‌رسد در ایران، از لحاظ نظری، به این امر مهم پرداخته نشده است. همچنین، خواجه‌ای و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی چارچوب مفهومی مبتنی بر اخلاق برای حسابداری و گزارشگری مالی

پرداختند. آن‌ها دریافته‌اند که مبنای قرار دادن ارزش‌های اخلاقی در حسابداری و گزارشگری مالی می‌تواند منجر به ایفای نقش اصلی حسابداری، یعنی شفاف‌سازی شود.

در ارتباط جنسیت و اخلاق نیز شارو و کلمنتس (۲۰۱۵) نشان دادند که تفاوت معناداری در قضاوت اخلاقی، شدت اخلاقی ادراک شده و قصد گزارشگری حسابداران حرفه‌ای زن و مرد وجود ندارد. شاور و شاور (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر استدلال اخلاقی بر قصد گزارشگری تقلب در صورت‌های مالی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر این است که سطح فردی استدلال اخلاقی بر قصد گزارشگری داخلی تقلب تأثیر داشته در حالی که بر قصد گزارشگری خارجی تقلب بی‌تأثیر است.

از بررسی مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در حوزه ابعاد دینداری حسابداران، تقلب‌های گزارشگری مالی و اخلاق حرفه‌ای می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر موارد تحقیقات دینی در حوزه حسابداری که از ویژگی‌های تصمیم‌گیری، ابعاد دینداری و اصول اخلاق حرفه‌ای استفاده کرده‌اند، اگرچه یافته‌های جالبی در خصوص اهمیت ابعاد دینداری و اصول اخلاق حرفه‌ای ارائه نموده‌اند، اما در هر یک از این مطالعات یک قسمت یا بخشی از این عناوین مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و هیچ پژوهشی به‌طور مستقیم این عوامل را به گونه جامع مورد بررسی قرار نداده است؛ بنابراین برای بیان و ارائه مطالب و نظریه‌های کلی درباره ارتباط ابعاد دینداری حسابداران، تقلب‌های گزارشگری مالی و اصول اخلاق حرفه‌ای، نیاز به بررسی کلی این مطالب به صورت ترکیبی است. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های این حوزه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: (۱) این پژوهش به بررسی مدل‌بندی تأثیر ابعاد دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی با تأکید بر نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای به صورتی جامع و کامل می‌پردازد و فقط از دینداری، تقلب‌های گزارشگری مالی و اخلاق حرفه‌ای استفاده نمی‌کند، بلکه ابعاد مختلف دینداری و موارد مهمی که حسابداران در انجام فعالیت‌های خود در نظر می‌گیرند را نیز تعیین می‌نماید.

(۲) در این پژوهش در حوزه حسابداری ایران، از پرسشنامه دینداری گلاک و استاک<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) و پرسشنامه تقلب‌های گزارشگری مالی و اخلاق حرفه‌ای استفاده می‌شود و بومی‌سازی بر روی آن‌ها انجام می‌گردد. این پرسشنامه در پژوهش‌های متعددی به کار رفته (کروپیک، ۲۰۱۷؛ آلبرتو و همکاران، ۲۰۱۷) و هم‌چنین روایی و پایایی هر سه پرسشنامه از آلفای کرونباخ بالایی نیز برخوردار است که نشان از مناسب بودن سازه‌ها و سؤالات دارد.

(۳) در پژوهش حاضر، افزون بر تأثیر ابعاد دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی، از متغیر میانجی اخلاق حرفه‌ای استفاده می‌شود تا سازه‌های مؤثر بر فعالیت‌های حسابداران دقیق‌تر و کامل‌تر بررسی شود.

(۴) در نهایت، پژوهش حاضر در زمینه حسابداری، یک الگو جامع و کامل برای ابعاد دینداری و تقلب‌های گزارشگری مالی ارائه می‌دهد.

<sup>1</sup> Glock & Stark

### ۳- زیربنای تئوریک فرضیه‌های پژوهش

زمانی که حسابداران از سطح دینداری، درک امور دینی و آمیزه‌های دینی بالاتری برخوردار باشند، میزان ارتکاب فرآیندهای خارج از اصول حسابداری و تقلب‌ها در گزارشگری مالی کاهش پیدا می‌کند. به‌گونه‌ای دقیق‌تر، تأثیرگذاری معرفت دینی و دینداری بر حسابداران می‌تواند فرآیندی را جهت کاهش تضاد بین استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و مدیران در جهت ارتکاب تقلب را به وجود آورد. در نتیجه این عوامل موجب می‌شود تا دینداری حسابداران عاملی مؤثر بر کاهش تقلب‌های گزارشگری مالی شود و تأثیر منفی بر روی آن داشته باشد. با توجه به موارد مطرح‌شده فرضیه اول به‌صورت زیر بیان می‌شود:

**فرضیه اول:** دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی دارد.

زمانی که حسابداران به اصول دین و دینداری پایبند باشند، این پایبندی موجب می‌شود تا آنان در امور خود از درست‌کاری، عدالت و انصاف برخوردار باشند. از عوامل تأثیرگذار عدالت و انصاف، اخلاق حرفه‌ای است که حسابداران با آن سروکار دارند. در این قسمت، رابطه دینداری و اخلاقی حسابداران بیشتر می‌شود و نشان‌دهنده رابطه مثبت دو متغیر دینداری و اخلاق حرفه‌ای با یکدیگر است. به‌گونه دقیق‌تر، آمیزه‌های دینی ارتباط بسیار مهم و نزدیکی با رعایت اصول اخلاقی حسابداران در تهیه گزارش‌های مالی دارد. فرضیه دوم به‌صورت زیر مطرح است:

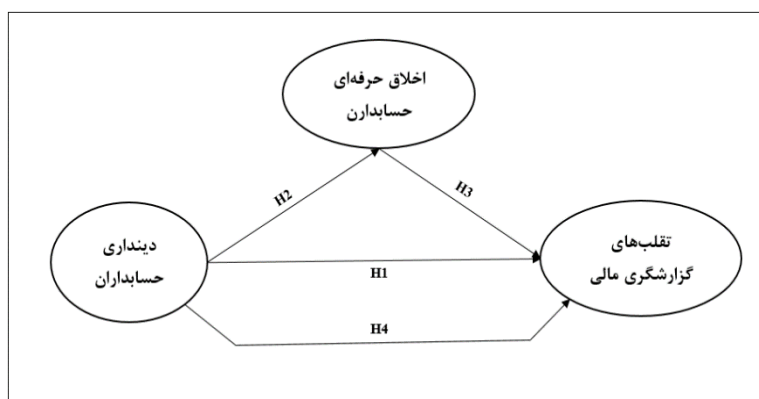
**فرضیه دوم:** دینداری حسابداران بر اخلاق حرفه‌ای تأثیر مثبت دارد.

همان‌طور که دینداری با تقلب رابطه منفی و با اخلاق رابطه مثبتی دارد، این مورد همسویی دینداری و اخلاق را با تقلب نشان می‌دهد. اخلاق حسابداران در رعایت موارد انصاف و عدالت با تقلب در تناقض است. با افزایش تعهد و رعایت اصول اخلاقی حسابداران، می‌توان شاهد کاهش تقلب‌ها در صورت‌های مالی بود؛ بنابراین می‌توان رابطه بین اخلاق حرفه‌ای حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی را به‌صورت منفی دید. رابطه منفی اخلاق با تقلب را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

**فرضیه سوم:** اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی دارد.

در گروه‌های اجتماعی گاهی دیده می‌شود که افراد دیندار رفتارهای خلاف قانون و عرف دارند که در حوزه مالی این رفتارهای خلاف بیشتر به صورت اختلاس و تقلب است؛ بنابراین این احتمال به وجود می‌آید که شاید دینداری اشخاص به صورت مستقیم به کاهش رفتارهای متقلبانه آن‌ها منتهی نشود و متغیر پنهان دیگری در بین این رابطه وجود دارد. در حقیقت، اگر دینداری به اخلاق والاتر در حسابداران منتهی نشود، نمی‌توان انتظار داشت که آن‌ها رفتارهای متقلبانه کمتری داشته باشند. در مواردی حتی قالب دینداری می‌تواند به عنوان سپری از آن‌ها محافظت کند تا رفتارهای متقلبانه ایشان از انظار پنهان باشد. از این رو انتظار می‌رود فقط دینداری رفتارهای متقلبانه کمتری داشته باشند که سطح اخلاقی آن‌ها رشد نموده باشد. به

بیان دیگر، اخلاق حرفه‌ای (به عنوان متغیر پنهان) رابطه بین دینداری و تقلب را توضیح می‌دهد. با توجه به توضیحات فوق، فرضیه چهارم به شرح زیر است و هم‌چنین، شکل ۱ الگوی مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد. **فرضیه چهارم:** اخلاق حرفه‌ای حسابداران، رابطه بین دینداری حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی را توضیح می‌دهد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

##### ۴-۱- جامعه و نمونه آماری

در این مطالعه، کلیه حسابداران کارشناس رسمی دادگستری شاغل در سطح مراکز استان‌های کل کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند. استفاده از نظر کارشناسان دو حسن دارد: (۱) خود کارشناسان متخصص در رشته حسابداری هستند؛ (۲) از نظر آنان می‌توان به عنوان بررسی و گواهی کار حسابداران در زمینه تقلب‌های گزارشگری، دینداری و اخلاق آن‌ها به عنوان ناظر مستقل استفاده کرد. از آنجا که آمار رسمی از تعداد این حسابداران در دسترس نمی‌باشد، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شده است. برای محاسبه حجم نمونه در جامعه نامشخص از فرمول مورگان استفاده شد. با توجه به این فرمول حجم نمونه حدود ۳۸۵ نفر به دست آمد. با در نظر گرفتن پرسشنامه‌هایی که امکان برگشت آن‌ها وجود نداشت، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه به‌منظور همسان‌سازی پژوهش بین اعضای جامعه آماری توزیع شد.

جهت توزیع راحت‌تر پرسشنامه‌ها و با توجه به محدودیت‌های بیماری کرونا، پرسش‌نامه الکترونیکی طراحی و استفاده شد. با این حال، پرسشنامه‌ها با ارسال از طریق رایانامه، فضای مجازی و پست و پیگیری از

طریق تماس تلفنی نیز توزیع شد. در میان آن‌ها جمعاً ۳۲۵ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند که تعداد پاسخ‌های درست دریافتی و قابل تحلیل، ۳۱۲ پرسشنامه بوده است. لازم به ذکر است تعداد ۱۳ پرسشنامه به علت کامل نبودن اطلاعات، کنار گذاشته شدند؛ بنابراین، مجموعاً تعداد پرسشنامه‌های مورد استفاده برای انجام تحلیل آماری در پژوهش حاضر، ۳۱۲ پرسشنامه بوده است (ضریب پاسخگویی ۸۱ درصد بوده است).

#### ۲-۴- متغیرهای پژوهش

##### ۲-۴-۱- متغیر مستقل

در پژوهش حاضر، با توجه به پژوهش‌های گروتن و همکاران (۲۰۱۰)؛ کای و شی (۲۰۲۰) دینداری به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. اندیشمندان حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی ابعاد متنوعی را در تعریف عملیاتی دینداری آورده‌اند. همچنین، پرسشنامه دینداری با توجه به شرایط حسابداری ایران بومی‌سازی می‌شوند. بر این اساس، ابعاد دینداری در پژوهش حاضر دارای پنج بعد اعتقادی (۵ گویه)، مناسکی (۴ گویه)، پیامدی (۴ گویه) احساسی (۴ گویه) و شناختی (۳ گویه) است.

##### ۲-۴-۲- متغیر وابسته

رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ در کشورهای خارجی و همچنین تقلب و اختلاس‌های صورت گرفته در ایران به‌عنوان یک نگرانی مهم در حرفه حسابداری تبدیل شده است. این امر می‌تواند با توجه به نقش گزارشگری مالی متقلبانانه پررنگ‌تر شود و نقش حسابداران را به چالش بکشد؛ بنابراین، از آنجایی که موضوع تقلب، یک موضوع مهم و بروز در حرفه حسابداری است، لذا در پژوهش حاضر، همانند پژوهش‌های گائو و همکاران (۲۰۱۵)؛ آلبین و همکاران (۲۰۱۷)؛ یان‌هانگ و همکاران (۲۰۱۸)؛ سادگالی و بنابو (۲۰۲۰) از تقلب در گزارشگری مالی به‌عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود.

##### ۲-۴-۳- متغیر میانجی

در پژوهش حاضر با توجه به پژوهش‌های شارو و کلمنتس (۲۰۱۵)؛ شاوور و شاوور (۲۰۱۸)؛ اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱)، از اصول اخلاقی حرفه‌ای به‌عنوان متغیر میانجی استفاده شده است. اصول اخلاقی حرفه‌ای حسابداری که تقریباً در همه‌ی انجمن‌های حسابداری مشترک بوده و موجب تأمین اهداف حرفه حسابداری می‌شود و از طرفی در آیین رفتار حرفه‌ای حسابداری ایران نیز به‌عنوان اصول و ضوابط اخلاقی حرفه‌ای حسابداران مورد تأکید قرار گرفته‌اند. علت در نظر گرفتن متغیر میانجی، این است که اخلاق حرفه‌ای ویژگی‌های یک متغیر میانجی را دارد و برای این‌که ماهیت پژوهش حاضر دقیق‌تر و مؤثرتر بیان شود، از اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان یک متغیر میانجی برای توضیح نوع و تأثیر رابطه بین متغیر مستقل و وابسته، استفاده شد.

متغیر میانجی، متغیری است که واسطه بین رابطه متغیر وابسته و متغیر مستقل می‌شود. متغیر میانجی رابطه غیرمستقیم بین متغیر وابسته و متغیر مستقل را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ بنابراین، متغیر مستقل ابتدا متغیر میانجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس متغیر میانجی بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد (نمازی و نمازی، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، در حقیقت موضوع مورد بحث با انتخاب این متغیر دقیق‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تأثیر غیرمستقیم اخلاق حرفه‌ای بر رابطه بین ابعاد دینداری حسابداران و تقلب در گزارشگری مالی مورد مطالعه قرار گیرد.

#### ۴-۳- ابزار اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها از روش پرسشنامه استفاده شد که یکی از رایج‌ترین شیوه گردآوری اطلاعات است. در مجموع، پرسشنامه‌های پژوهش حاضر متشکل از پنج بخش است. بخش اول در خصوص اطمینان‌دهی، بدون نام بودن پاسخ‌ها و سپس‌گزارای از پاسخ‌دهندگان در ارتباط با پرسشنامه است. بخش دوم شامل پرسش‌های جمعیت‌شناسی پژوهش است که مشتمل بر پنج پرسش است. این پرسش‌ها اطلاعاتی راجع به جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی و تجربه کاری پرسش‌شوندگان را فراهم می‌کند. بخش سوم با توجه به پژوهش‌های الگین و همکاران، ۲۰۱۳؛ کامپانت و دیوید، ۲۰۱۵؛ برایان و همکاران، ۲۰۲۰، شامل ۲۰ پرسش تخصصی چند گزینه‌ای در رابطه با دینداری حسابداران است که از پاسخ‌دهندگان درخواست شده بر مبنای باورها و اعتقادات مذهبی خود و واقعیت‌های موجود به آن‌ها پاسخ دهند. بخش چهارم مربوط به فعالیت‌های تقلب‌های گزارشگری مالی است. در این راستا، با توجه به ادبیات پیشین و متون مربوط (بنیش<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳؛ رزالی و ارشاد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴؛ کاناپیکن و گراندین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵) در زمینه تقلب گزارشگری استفاده شد. در این بخش تعداد ۱۸ سؤال برای اندازه‌گیری تقلب‌های گزارشگری مالی بکار برده شد. در نهایت بخش پنجم مربوط به اخلاق حرفه‌ای حسابداران است. این بخش از ادبیات پیشین و متون مربوط (سینگپاکدی، ۱۹۹۹؛ ویلیامز، ۲۰۰۲؛ اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱) در زمینه اخلاق حرفه‌ای حسابداران استفاده شد. برای اندازه‌گیری هر سه متغیرهای دینداری، تقلب گزارشگری و اخلاق حرفه‌ای از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. کلید نمره‌گذاری پرسشنامه به ترتیب به گزینه‌های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «متوسط»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ تعلق می‌گیرد.

<sup>1</sup> Beneish

<sup>2</sup> Razali & Arshad

<sup>3</sup> Kanapickiene & Grundiene



جهت بررسی اعتبار محتوایی و بررسی این که آیا سؤال‌ها در راستای اهداف مورد نظر تهیه شده و هدف را به طور مناسب اندازه‌گیری می‌کند، سؤال‌های پرسشنامه مورد بررسی اولیه اساتید دانشگاه و چند متخصص در هر حوزه قرار گرفت. پس از انجام اصلاحات مورد توجه متخصصان فوق‌الذکر، به منظوره انجام پیش‌آزمون پرسشنامه بین ۳۰ نفره از کارشناسان رسمی دادگستری، پخش شد و با توجه نتایج آزمون‌های پایایی و روایی آن اصلاحات نهایی بر روی پرسشنامه انجام شد. سرانجام، پرسشنامه نهایی از طریق مرکز تحقیقات پژوهش قوه قضاییه، برای کارشناسان رسمی دادگستری در مراکز استان‌ها ارسال گردید.

## ۵- یافته‌های پژوهش

### ۵-۱- آماره توصیفی

پرسشنامه پژوهش شامل ۵ سؤال عمومی مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان که شامل جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی و میزان تجربه کاری پاسخ‌دهندگان است. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل فراوانی ویژگی‌های جامعه‌شناختی پاسخ‌دهندگان، در جدول ۱ منعکس شده است. نتایج به‌دست‌آمده از جدول فراوانی جامعه‌شناختی پرسش‌نامه نشان می‌دهد که از بین ۳۱۲ نفر پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه، ۱۸۹ نفر، معادل ۶۱ درصد را مردان و مابقی را زنان (۳۹ درصد) تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده برتری تعدادی مردان نسبت به زنان در موارد آزمودنی است. همچنین، ۶۷ درصد از پاسخ‌دهندگان متأهل و ۳۳ درصد مابقی مجرد هستند. بررسی مدارک تحصیلی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که افراد مورد آزمون از سطح سواد بالایی برخوردارند که از این میزان ۶ درصد دارای مدرک کمتر از لیسانس، ۳۷ درصد از افراد دارای مدرک لیسانس، ۳۹ درصد از افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۸ درصد مابقی دارای مدرک دکتری هستند. بنا بر اطلاعات دریافتی از آزمودنی‌ها، ۷۷ درصد از آن‌ها در رشته حسابداری، ۷ درصد در رشته حسابداری مدیریت، ۳ درصد در رشته حسابداری و مابقی (۱۳ درصد) در سایر رشته‌ها تحصیل کرده‌اند. نهایتاً، بررسی میزان تجربه حرفه‌ای آزمودنی‌ها بیان‌گر این است که درصد از افراد دارای سابقه کاری تا ۱۰ سال و بیشتر حتی بالاتر از ۲۰ سال را دارند که این نشان‌دهنده تجربه بالا و کافی افراد می‌باشد؛ بنابراین، با عنایت به موارد مذکور، صلاحیت کلی پاسخ‌دهندگان مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۲، آماره توصیفی سازه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. طبق نتایج این جدول، میانگین متغیر دینداری برابر با ۷۶/۴۹۳ است که نظر مثبت پاسخ‌دهندگان در ارتباط با اصول و پایبندی به موازین دینی را نشان می‌دهد. میانگین متغیر تقلب‌های گزارشگری مالی برابر با ۶۸/۲۵۳ است که نظر کارشناسان رسمی دادگستری را در ارتباط با امور حسابداری که موجب تقلب می‌گردد را نشان می‌دهد. میانگین ۶۹/۳۷۵ برای متغیر اخلاق حرفه‌ای در حسابداری است که بیان‌گر نظر کارشناسان در ارتباط با تأثیر مثبت اخلاق حرفه‌ای به عنوان عاملی کاهنده برای تقلب‌ها را نشان می‌دهد. همچنین، آماره‌های توصیفی زیرمجموعه‌های ابعاد دینداری،

تقلب گزارشگری و اخلاق حرفه‌ای بدین صورت است که: میانگین بعد اعتقادی ۱۹/۵۵۷؛ بعد مناسکی ۱۵/۱۳۱؛ بعد پیامدی ۱۳/۹۴۲؛ بعد احساسی ۱۶/۰۷۳ و بعد شناختی ۱۱/۷۸۸ است. مؤلفه‌های تقلب‌های گزارشگری مالی دارای بیشترین میانگین در کنترل داخلی ۲۰/۵۴۸ و کمترین میانگین در ویژگی‌های مدیریت ۱۴/۱۶۶ است. در خصوص مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای نیز، تضاد منافع با میانگین ۱۵/۰۶۰؛ استقلال ۱۲/۹۹۰؛ مراقبت حرفه‌ای ۹/۳۶۸؛ رازداری ۱۵/۴۲۳ و درستکاری با میانگین ۱۶/۵۳۲ است. در نهایت، یافته‌های به‌دست‌آمده از آماره‌های توصیفی دلالت بر تأثیرگذاری ابعاد دینداری و اخلاق حرفه‌ای در کسب‌کار حرفه حسابداری بر مؤلفه‌های تقلب‌های گزارشگری مالی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که متغیرهای جدول ۲، با استفاده از روش مجموع پاسخ سؤالات برای هر متغیر بکار برده شده است (این روش برای تمامی متغیرها به یک شکل می‌باشد).

جدول ۱- فراوانی ویژگی‌های جامعه‌شناختی

درصد	فراوانی	شرح سؤال	درصد	فراوانی	شرح سؤال	
٪ ۷۷	۲۴۰	حسابداری	٪ ۳۹	۱۲۳	زن	جنسیت
٪ ۷	۲۱	حسابداری مدیریت	٪ ۶۱	۱۸۹	مرد	
٪ ۳	۱۰	حسابرسی	٪ ۱۰۰	۳۱۲	مجموع	
٪ ۱۳	۴۱	سایر	٪ ۳۳	۱۰۳	مجرد	وضعیت تأهل
٪ ۱۰۰	۳۱۲	مجموع	٪ ۶۷	۲۰۹	متأهل	
٪ ۱۳	۴۰	کمتر از ۵ سال	٪ ۱۰۰	۳۱۲	مجموع	میزان تحصیلات
٪ ۲۸	۸۷	۵ تا ۱۰ سال	٪ ۶	۱۹	کمتر از لیسانس	
٪ ۳۹	۱۲۳	۱۱ تا ۲۰ سال	٪ ۳۷	۱۱۶	لیسانس	
٪ ۲۰	۶۲	بالاتر از ۲۰ سال	٪ ۳۹	۱۲۱	فوق لیسانس	
٪ ۱۰۰	۳۱۲	مجموع	٪ ۱۸	۵۶	دکتری	
			٪ ۱۰۰	۳۱۲	مجموع	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲- آماره توصیفی سازه‌های پژوهش

کمینه	بیشینه	انحراف معیار	میانگین	سازه	
۱۲/۰۰	۲۵/۰۰	۳/۳۵۱	۱۹/۵۵۷	اعتقادی	دینداری
۶/۰۰	۲۰/۰۰	۴/۰۲۰	۱۵/۱۳۱	مناسکی	
۶/۰۰	۲۰/۰۰	۴/۴۶۳	۱۳/۹۴۲	پیامدی	
۷/۰۰	۲۰/۰۰	۴/۲۰۵	۱۶/۰۷۳	احساسی	

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی  
دوره ۱۴/۱۴، پیاپی ۵۳، بهار ۱۴۰۱

سازه	میانگین	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
شناختی	۱۱/۷۸۸	۳/۳۴۸	۱۵/۰۰	۵/۰۰
تقلب گزارشگری مالی	ویژگی مدیریت	۴/۰۷۸	۲۰/۰۰	۷/۰۰
	کنترل داخلی	۲۰/۵۴۸	۲۵/۰۰	۹/۰۰
	بازار و صنعت	۱۸/۵۵۱	۵/۵۲۰	۷/۰۰
	ویژگی عملیاتی	۱۴/۹۸۷	۴/۵۸۳	۵/۰۰
اخلاق حرفه‌ای	تضاد منافع	۱۵/۰۶۰	۲۴/۰۰	۶/۰۰
	استقلال	۱۲/۹۹۰	۲۰/۰۰	۵/۰۰
	مراقبت حرفه‌ای	۹/۳۶۸	۳/۱۲۵	۴/۰۰
	رازداری	۱۵/۴۲۳	۴/۱۳۹	۷/۰۰
دینداری	۱۶/۵۳۲	۳/۵۲۰	۲۰/۰۰	۸/۰۰
دینداری	۷۶/۴۹۳	۱۸/۳۵۴	۱۰۰/۰۰	۴۸/۰۰
تقلب گزارشگری	۶۸/۲۵۳	۱۸/۲۴۲	۹۰/۰۰	۴۰/۰۰
اخلاق حرفه‌ای	۶۹/۳۷۵	۱۹/۳۶۴	۹۶/۰۰	۴۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### ۵-۲- ضرایب بارهای عاملی

بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار ارتباط شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۵ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است (ریوارد وهاف، ۱۹۹۸). نکته مهم در اینجا این است که اگر محقق پس از محاسبه بارهای عاملی بین سازه و شاخص‌های آن با مقادیری کمتر از ۰/۵ مواجه شد، باید آن شاخص‌ها (سؤالات پرسشنامه) را اصلاح نموده و یا از مدل تحقیق خود حذف نماید. بعد از اجرای اولیه مدل، سوا لاتی که بارهای عاملی آن‌ها کمتر از ۰/۵ بوده حذف و مدل جدید مجدداً مورد بررسی قرار گرفته است (هولاند، ۱۹۹۹). جدول ۳، ضرایب بارهای عاملی مربوط به هر سازه را نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۳، تمامی سؤالات مقدار مناسبی را اتخاذ کرده‌اند.

جدول ۳- ضرایب بارهای عاملی سازه‌های پژوهش

متغیر	سازه	بارهای عاملی	متغیر	سازه	بارهای عاملی
دینداری	IN2	۰/۷۳	تقلب‌های گزارشگری مالی	ME1	۰/۷۹
	IN3	۰/۷۱		ME2	۰/۷۰
				ME3	۰/۶۵

متغیر	سازه	بارهای عاملی	متغیر	سازه	بارهای عاملی		
	ME4	۰/۷۵		IN4	۰/۸۳		
	ME5	۰/۷۳		IN5	۰/۶۳		
	ME6	۰/۸۰		IN6	۰/۶۶		
	ME7	۰/۷۱		IN7	۰/۸۴		
	ME8	۰/۷۳		IN8	۰/۷۰		
	ME9	۰/۸۶		IN9	۰/۶۶		
	ME10	۰/۷۹		IN10	۰/۸۴		
	ME11	۰/۷۷		IN11	۰/۸۶		
	ME12	۰/۸۴		IN12	۰/۵۶		
	ME13	۰/۸۵		IN13	۰/۸۳		
	ME14	۰/۸۲		IN14	۰/۷۷		
	ME15	۰/۷۵		IN15	۰/۷۳		
	ME16	۰/۸۰		IN16	۰/۷۴		
	ME17	۰/۷۹		IN17	۰/۷۹		
	ME18	۰/۶۵		IN18	۰/۷۶		
	ME19	۰/۸۲		IN19	۰/۸۴		
	ME20	۰/۸۳		IN20	۰/۸۲		
		DE10		۰/۸۶	اخلاق حرفه‌ای	DE1	۰/۸۵
		DE11		۰/۷۳		DE2	۰/۸۴
		DE12		۰/۷۸		DE3	۰/۷۵
DE13		۰/۷۶	DE4	۰/۷۷			
DE14		۰/۸۲	DE5	۰/۷۳			
DE15		۰/۸۳	DE6	۰/۷۵			
DE16		۰/۸۲	DE7	۰/۸۵			
DE17		۰/۸۴	DE8	۰/۷۰			
DE18		۰/۸۳	DE9	۰/۸۵			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### ۵-۳- ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۷، پایایی ترکیبی ۰/۷ و برای روایی همگرا ۰/۵ است و مطابق با یافته‌های جدول ۴ تمامی این معیارها در مورد متغیرها مقدار مناسبی اتخاذ نموده‌اند، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرای پژوهش حاضر را مورد تأیید قرار داد.

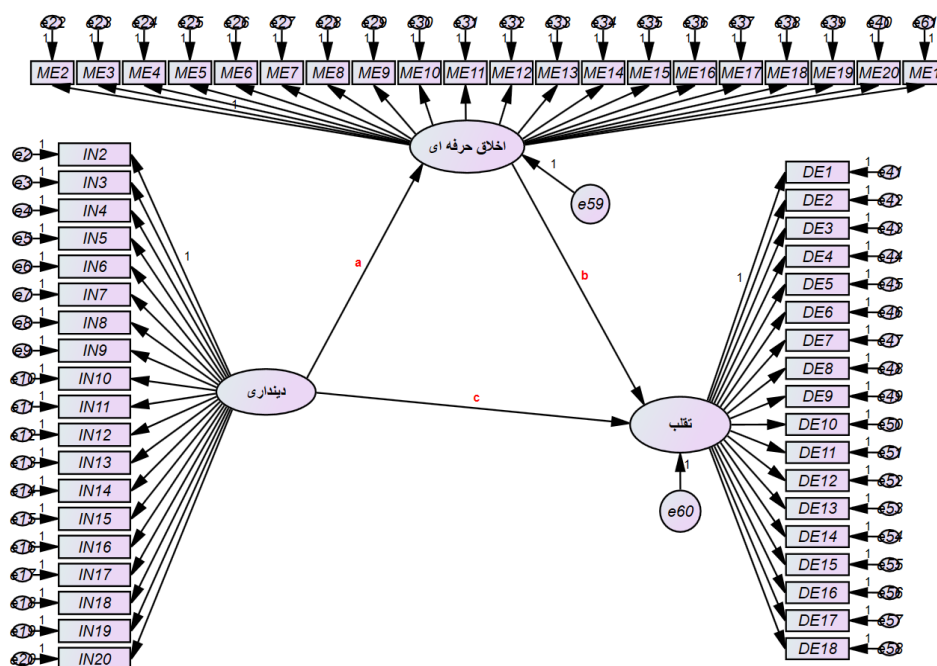
جدول ۴- شاخص‌های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پژوهش

سازه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی
دینداری	۰/۸۶۷	۰/۸۷۰	۰/۶۲۰
تقلب‌های گزارشگری مالی	۰/۷۷۰	۰/۷۶۷	۰/۶۴۸
اخلاق حرفه‌ای	۰/۸۶۹	۰/۸۷۰	۰/۵۷۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۴-۵- مدل‌های آزمون فرضیه در پژوهش

شکل ۲، ضریب رگرسیونی و مسیرهای مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. دینداری به‌عنوان متغیر مستقل؛ تقلب‌های گزارشگری مالی به‌عنوان متغیر وابسته و اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است. مسیر c نشان‌دهنده رابطه میان متغیر مستقل و وابسته در عدم حضور متغیر میانجی است. مسیر a، نشان‌دهنده رابطه میان متغیر مستقل و میانجی و مسیر b نشان‌دهنده رابطه بین متغیر میانجی و وابسته است. همچنین، c نشان‌دهنده رابطه میان متغیر مستقل و وابسته در حضور متغیر میانجی است. لازم بذکر برای بررسی فرضیه‌های پژوهش در نرم‌افزار آموس، نیاز به سه مدل میانجی، مدل مستقیم و مدل غیرمستقیم است که این مدل‌ها در پژوهش حاضر لحاظ گردید و یافته‌های مربوط به آن گزارش شد. مدل میانجی، تمام روابط بین متغیرها بررسی شده است یعنی تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی با حضور متغیر میانجی اخلاق حرفه‌ای است. مدل مستقیم، تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی است، در حالی که سایر روابط حذف شده است. مدل غیرمستقیم، تأثیر دینداری بر اخلاق حرفه‌ای و تأثیر اخلاق بر تقلب‌های گزارشگری مالی است، در حالی که تأثیر دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی حذف شده است (راجی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰).



شکل ۲- مدل فرضیه‌های پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۵-۵- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد. لذا در این قسمت به ارزیابی برازش مدل مفروض پژوهش پرداخته می‌شود تا از سازگاری آن با داده‌های پژوهش اطمینان حاصل گردد و در نهایت پاسخ سؤالات پژوهش استنتاج گردد.

CFI شاخصی است که برازش مدل پیشنهاد شده به مدل مستقل (که فرض می‌کند بین داده‌ها رابطه‌ای وجود ندارد) را می‌سنجد؛ بنابراین، CFI در مدل میانجی برابر  $0/910$ ، مدل مستقیم برابر  $0/850$  و در مدل غیرمستقیم برابر  $0/909$  است. نسبت PNFI در مدل میانجی برابر  $0/832$ ، در مدل مستقیم برابر  $0/778$  و در مدل غیرمستقیم برابر  $0/832$  است. با توجه به اینکه مقادیر  $0/7$  و بالاتر قابل قبول می‌باشند، این اندازه‌ها نیز نمایانگر برازش قابل قبول مدل هستند. RMSE، متوسط باقی‌مانده‌های بین همبستگی/ کوواریانس مشاهده شده نمونه و مدل مورد انتظار برآورد شده از جامعه است. مقدار مناسب RMSEA باید کمتر از  $0/08$  به معنای برازش خوب مدل می‌باشد. با توجه به سه مدل میانجی، مدل مستقیم و مدل غیرمستقیم، مقدار عددی

RMSEA به ترتیب ۰/۰۵۸، ۰/۰۷۵ و ۰/۰۵۸ است و از برازش خوب و قابل قبولی برخوردار است. همچنین، معیارهای TLI و IFI با توجه به سه مدل میانجی، مدل مستقیم و مدل غیرمستقیم مقدار عددی بین ۰/۸۴۴ تا ۰/۹۱۰ را کسب کرده‌اند. در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. با توجه به نتایج فوق شاخص‌های برازش مدل میانجی از مدل‌های مستقیم و غیرمستقیم قوی‌تر است.

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل‌های پژوهش

شاخص	مدل میانجی	مدل مستقیم	مدل غیرمستقیم	بrazش قابل قبول
$X^2$	۳۰۷۰/۸۱۱	۴۰۸۹/۸۳۵	۳۰۸۰/۹۳۷	$2 df \leq X^2 \leq 3 df$
DF	۱۵۳۶	۱۵۳۸	۱۵۳۷	-
CMIN/DF	۱/۹۶۴	۲/۶۰۰	۱/۹۶۹	$1 < X^2/df < 5$
CFI	۰/۹۱۰	۰/۸۴۹	۰/۹۰۹	$0.90 \leq CFI$
TLI	۰/۹۰۶	۰/۸۴۴	۰/۹۰۶	$0.90 \leq TLI$
IFI	۰/۹۱۰	۰/۸۵۱	۰/۹۱۰	$0.90 \leq IFI$
PNFI	۰/۸۳۲	۰/۷۷۸	۰/۸۳۲	$0.50 \leq PNFI$
RMSEA	۰/۰۵۸	۰/۰۷۵	۰/۰۵۸	$RMSEA < 0.1$

منبع: یافته‌های پژوهشگر

**فرضیه اول:** دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. با توجه به جدول ۶ ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی برابر با ۰/۴۸۳- می‌باشد، همچنین مقدار ناحیه بحرانی برای این ضریب برابر ۱۵/۰۹۸- می‌باشد که نشان از معنادار بودن این ضریب در سطح خطای ۵ درصد را می‌دهد. به عبارتی مسیر c وجود دارد. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که دینداری حسابداران، تقلب‌های صورت گرفته در گزارشگری مالی را به طور منفی و معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یعنی، با افزایش دینداری حسابداران میزان تقلب‌های گزارشگری مالی حسابداران کاهش خواهد یافت و بر حالت عکس این رابطه را می‌توان متصور بود.

**فرضیه دوم:** دینداری حسابداران بر اخلاق حرفه‌ای تأثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به جدول ۶ ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر دینداری بر اخلاق حرفه‌ای برابر با ۰/۳۶۶ می‌باشد، همچنین مقدار ناحیه بحرانی برای این ضریب برابر ۱۲/۳۴۸ می‌باشد که نشان از معنادار بودن این ضریب در سطح خطای ۵ درصد و وجود مسیر a است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که دینداری، اخلاق حرفه‌ای

حسابداران را به طور مثبت و معنادار تحت تأثیر قرار می‌دهد و بین دینداری حسابداران و اخلاق حرفه‌ای آنان رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش دینداری، اخلاق خوب و حرفه‌ای افزایش می‌یابد.

**فرضیه سوم:** اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. با توجه به جدول ۶ ضریب رگرسیونی تأثیر متغیر اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی برابر  $0/430-$  می‌باشد، همچنین مقدار ناحیه بحرانی برای این ضریب برابر  $3/374-$  می‌باشد که نشان از معنادار بودن این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. همچنین مسیر b نیز وجود دارد. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که اخلاق حرفه‌ای حسابداران، تقلب‌های گزارشگری مالی را به طور منفی و معنادار تحت تأثیر قرار می‌دهد و رابطه این دو متغیر دارای رابطه عکس با یکدیگر هستند.

**فرضیه چهارم:** اخلاق حرفه‌ای حسابداران، رابطه بین دینداری حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی را توضیح می‌دهد. در مدل میانجی، اثر دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی ( $0/58-$ ) در سطح خطای زیر پنج درصد معنادار است (مسیر c). در حقیقت، این نتایج نشان می‌دهد که دینداری بر تقلب‌های گزارشگری مالی در حضور اخلاق است که اثرگذار می‌باشد و آن را کاهش می‌دهد. به عبارتی، متغیر مستقل در حضور متغیر میانجی بر وابسته اثر می‌گذارد (مدل میانجی)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اخلاق حرفه‌ای به عنوان متغیر میانجی (از نوع جزئی) رابطه بین دینداری حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی را توضیح می‌دهد.

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه

نتیجه	مدل غیرمستقیم		مدل مستقیم		مدل میانجی		متغیر وابسته	متغیر مستقل	مسیر
	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب			
عدم رد	-	-	0/000	-0/48	-	-	تقلب	دینداری	C
عدم رد	0/000	0/29	-	-	0/000	0/36	اخلاق	دینداری	A
عدم رد	0/000	-0/34	-	-	0/001	-0/43	تقلب	اخلاق	B
میانجی جزئی	-	-	-	-	0/000	-0/58	تقلب	دینداری	c'

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۵-۶- استحکام نتایج

همچنین، جهت تأیید مجدد و اندازه‌گیری مدل میانجی اخلاق در رابطه بین دینداری حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی، از آزمون سوپل استفاده گردید. با استفاده از آزمون سوپل، متغیر میانجی به عنوان رابط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته قرار می‌گیرد و به صورت جداگانه میزان رابطه متغیرهای مستقل و وابسته را



تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر متغیر «اخلاق حرفه‌ای» در رابطه «دینداری» و «تقلب‌های گزارشگری» نقش میانجی دارد. در پژوهش‌های دارای فرضیه‌های میانجی، متغیر مستقل X از طریق متغیر Me روی متغیر وابسته Y تأثیر می‌گذارد.

$$Z - Value = \frac{t - value a * t - value b}{\sqrt{(t - value a)^2 + (t - value b)^2}} \quad (1)$$

طبق این فرمول:

t-value a: مقدار آماره مسیر میان متغیر مستقل و میانجی؛

t-value b: مقدار آماره مسیر میان متغیر میانجی و وابسته است.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از این آزمون، مقدار عدد آزمون برابر با ۳/۲۵۴- و معنی‌دار است که نشان از تأیید مدل و نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای حسابداران را دارد.

#### ۶- بحث و نتیجه‌گیری

گزارشگری مالی یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری اقتصادی توسط مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان است. از آنجایی که این اطلاعات ممکن به صورت صحیح و درست در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نگیرد، بین مدیران و سایر استفاده‌کنندگان عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می‌شود که به تهیه‌کنندگان اطلاعات اجازه می‌دهد تا در تهیه و گزارش اطلاعات، از اختیار خود در جهت منافع شخصی استفاده نمایند. از این رو پژوهش حاضر به بررسی موضوع دینداری در بین حسابداران و کارشناسان رسمی حسابداری پرداخت. با توجه به اینکه موضوع تقلب در گزارشگری مالی یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است، در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه ابعاد دینداری، باور و اعتقاد دینی حسابداران مشخص گردید و سپس، اثر این باورها روی راه‌های گریز و تقلب در گزارشگری مالی مورد آزمون قرار گرفت. همچنین، اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداران هم به‌عنوان یک متغیر میانجی بر این رابطه توضیح داده شد.

یافته‌های حاصل از فرضیه اول نشان داد که دینداری حسابداران بر تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. به‌طور کلی یافته‌های فرضیه اول در نگاه اول بیان‌گر این است که با افزایش سطح دینداری و پایبندی بیشتر حسابداران به آمیزه‌های دینی، میزان تقلب‌ها در گزارشگری مالی کاهش پیدا می‌کند. به‌گونه‌ای دقیق‌تر، هنجارهای دینی و دینداری می‌تواند مکانیزمی برای کاهش تضاد بین استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و مدیران در جهت ارتکاب تقلب باشد. همچنین اگر نظارت بیرونی بر فرآیند گزارشگری شرکت‌ها کم باشد، عوامل دینداری می‌توانند به‌عنوان مکانیزمی برای نظارت بر رفتار گزارشگری شرکت‌ها

عمل کنند. از این رو می‌توان بیان نمود که سطح باور دینی و دینداری حسابداران یکی از راه‌هایی است که می‌تواند برای شرکت‌ها ارزش‌آفرین باشد. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این است که اعتقادات معنوی و سطح دینداری حسابداران نقش مهمی در کاهش تقلب‌های گزارشگری مالی دارد؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های کپلن و همکاران (۲۰۰۹)؛ کای و شی (۲۰۲۰)؛ سپاسی و حسنی (۱۳۹۵)؛ پورحیدری و بذرافشان (۱۳۹۱) منطبق است.

یافته‌های حاصل از فرضیه دوم نشان داد که دینداری حسابداران بر اخلاق حرفه‌ای آنان تأثیر مثبت و معناداری دارد. این یافته نشان‌دهنده این است که با افزایش سطح دینداری حسابداران، عمل به اصول اخلاقی درست و حرفه‌ای بیشتر می‌شود و دو متغیر دینداری و اخلاق حرفه‌ای با یکدیگر رابطه مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین، مدیریت با پرننگ‌تر کردن و ارج نهادن به اصول اخلاقی در کار، می‌تواند فضایی مناسب را برای حسابداران به وجود آورد تا آن‌ها با در نظر گرفتن اخلاق حرفه‌ای خود، گزارشگری و انجام فعالیت‌ها را به گونه‌ای مناسب انجام دهند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های گروتن و همکاران (۲۰۱۰)؛ شارو و کلنتس (۲۰۱۵)؛ رضازاده و همکاران (۱۳۹۹) همسو است.

یافته‌های حاصل از فرضیه سوم نشان داد که اخلاق حرفه‌ای بر تقلب‌های گزارشگری مالی دارای تأثیر منفی و معناداری است. با توجه به یافته‌های فرضیه سوم، این بدان معناست که اخلاق حرفه‌ای با تقلب رابطه عکس و غیرمستقیم دارد؛ یعنی با افزایش تعهد اخلاق و رعایت اصول اخلاقی حسابداران، می‌توان شاهد کاهش در تقلب‌های صورت‌های مالی بود. دلیل این امر که اخلاق حرفه‌ای تأثیر معناداری بر تقلب‌های گزارشگری دارد، می‌تواند این باشد که اخلاق حرفه‌ای عاملی مهم و تأثیرگذار بر رفتار حسابداران و مدیران در محیط واحد تجاری است؛ به عبارت دیگر، سطح بالاتر اخلاق حرفه‌ای منجر به رفتار مثبتی می‌شود که به نفع واحد تجاری است و در نتیجه کاهش تقلب‌های گزارشگری را در پی دارد. به همین دلیل حسابدارانی که سطح اخلاق حرفه‌ای بالاتری دارند، کمتر به فعالیت‌هایی که منجر به آسیب شرکت می‌شود، دست می‌زنند و این دیدگاه وجود دارد که حسابداران دارای اخلاق حرفه‌ای بالا به‌منظور ریشه‌کن کردن تقلب و حفاظت از حرفه در جامعه با احتمال بالاتری تقلب را گزارش خواهند کرد؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های شاوور و شاوور (۲۰۱۸)؛ آلین و همکاران (۲۰۱۷)؛ نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵)؛ اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) منطبق است.

یافته‌های حاصل از فرضیه چهارم نشان داد که اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان یک متغیر میانجی بر رابطه بین دینداری حسابداران و تقلب‌های گزارشگری مالی تأثیرگذار است. بر مبنای یافته‌های فرضیه چهارم، در حقیقت، در نگاه اول دینداری بر روی کاهش تقلب تأثیر دارد؛ اما بر اساس نتایج پژوهش، دینداری اگر منجر به اخلاق بهتر بشود، می‌تواند تقلب‌ها در گزارشگری مالی را کاهش دهد. به‌طور واضح‌تر، یعنی حسابداران دیندار، تقلب کمتری را مرتکب نمی‌شوند، بلکه آن‌هایی تقلب کمتر انجام می‌دهند که این دینداری منجر به بالا بردن سطح اصول اخلاق حرفه‌ای در آن‌ها شده باشد. حسابداران با اخلاق بیشتر تقلب کمتری را مرتکب می‌شوند. به بیان

دیگر، حسابداران دینداری که اخلاق در آن‌ها رشد نکرده است، تقلب بیشتری انجام می‌دهند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های کای و شی (۲۰۲۰)؛ شاور و شاور (۲۰۱۸)؛ گرولن و همکاران (۲۰۱۰)؛ باقری راغب و همکاران (۱۳۹۹)؛ نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) همسو است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، از آنجا که سطح دینداری و اخلاقی مدیران و حسابداران، عاملی مهم در بروز رفتاری صادقانه و کاهش تقلب‌های گزارشگری مالی محسوب می‌شود، به سازمان بورس اوراق بهادار، مسئولان فرهنگی-اجتماعی و انجمن‌های حسابداری پیشنهاد می‌شود که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، بسترهای لازم را در جهت ارتقای آموزه‌های دینی و اخلاقی حسابداران شرکت فراهم آورند. همچنین، مدیران با ایجاد فضایی مناسب و قابل اعتماد و ارج نهادن به ارزش‌های انسانی، اصول اخلاق حرفه‌ای را در واحد تجاری گسترش دهند و فرهنگ درستکاری را در شرکت‌ها رواج دهند. همچنین، جهت استخدام افراد در سازمان‌ها و شرکت‌ها، به مدیران و مسئولان مربوطه پیشنهاد می‌شود تا فقط به ظاهر دیندار بودن فرد توجه نکنند، بلکه به اخلاق آن‌ها هم توجه نمایند. به قوه قضاییه و دادگستری پیشنهاد می‌شود تا علاوه بر دانش فنی لازم در حوزه حسابداری، با برگزاری کارگاه‌های اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای در حوزه حسابداری را در نظرات کارشناسانه خود اعمال نمایند.

#### فهرست منابع

- ۱) اعتمادی، حسین، مهدی خلیل‌پور و یوسف تقی‌پوریان، (۱۳۹۱)، "تأثیر اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر قابلیت اتکاء صورت‌های مالی"، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، (۳)۷، صص ۱-۹.
- ۲) باقری، قدرت اله، صمد گودرزی، فضائیل جاوید، محمد حیدری و مجید جاوید، (۱۳۹۹)، "تأثیر دینداری بر مدیریت استرس کادر فنی تیم‌های لیگ برتر فوتسال ایران با تأکید بر نقش میانجی سرمایه اجتماعی"، مدیریت سرمایه اجتماعی، (۱)۶، صص ۱۰۵-۱۲۵.
- ۳) پورحیدری، امید و سعید بذرافشان، (۱۳۹۱)، "بررسی سودمندی استفاده از چک لیست راهنمای کشف تقلب در ارزیابی خطر تقلب مدیریت"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، (۳)۱، صص ۶۹-۸۶.
- ۴) حسینی، محسن و آریتا جهانشاد، (۱۳۹۸)، "ضرورت گسترش سطح افشا و توسعه گزارشگری مالی در بستر حسابداری اسلامی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۴۴)۱۱، صص ۲۱۷-۲۴۹.
- ۵) خواجوی، شکراله، عبدالمجید سرمدی‌نیا و علیرضا پورگودرزی، (۱۳۹۹)، "چارچوب مفهومی مبتنی بر اخلاق برای حسابداری و گزارشگری مالی"، دانش حسابداری مالی، (۱)۲۴، صص ۲۵-۴۴.
- ۶) دریایی، مجید، هاشم نیکو مرام و محمدحامد خان محمدی، (۱۳۹۹)، "تأثیر فرهنگ سازمانی بر گزارش خطاکاری سازمانی در حرفه حسابرسی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، (۴۶)۱۲، صص ۲۷-۵۰.
- ۷) دورکیم، امیل، (۱۳۸۳) "صور بنیانی حیات دینی"، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ۸) دوانی، غلامحسین، (۱۳۹۲)، "نقش حسابرسی در فرآیند مبارزه با فساد"، مجله حسابدار رسمی، شماره ۲۴، صص ۱۱-۱۶.

- ۹) راجیزاده، سپیده، امیرحسین تائبی‌نقدری و حدیث زینلی، (۱۴۰۰)، "تأثیر شکنندگی سهام بر سرعت همگرایی قیمت سهام"، دانش حسابداری مالی، ۱۸(۱)، صص ۱۷۵-۱۹۶.
- ۱۰) رضازاده، جواد و عبدالله محمدی، (۱۳۹۹)، "توانایی مدیریتی، ارتباط سیاسی و گزارشگری"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲)، صص ۲۱۷-۲۳۸.
- ۱۱) رنگ‌زن، رقیه و زهرا لشگری، (۱۳۹۷)، "تأثیر سیاست‌های تقسیم سود سهام بر تصمیمات سرمایه‌گذاری با تأکید بر کیفیت گزارشگری مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۴۰)، صص ۲۱-۴۶.
- ۱۲) سازمان حسابرسی، (۱۳۹۱)، "آئین رفتار حرفه‌ای، نشریه ۱۲۳"، چاپ نهم، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۱۳) سازمان حسابرسی، (۱۳۹۹)، "استانداردهای حسابداری، شماره ۲۴۰"، چاپ نهم، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۱۴) سیاسی، سحر و حسن حسنی، (۱۳۹۵)، "رابطه باورهای دینی مدیران با رفتار مدیریت سود"، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱(۲)، صص ۱۷-۴۰.
- ۱۵) سراج‌زاده، سیدحسین، (۱۳۸۳)، "چالش‌های دین و مدرنیته"، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۶) شجاعی‌زند، علی‌رضا، (۱۳۸۴)، "مدلی برای سنجش دینداری در ایران"، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱(۶)، صص ۳۴-۶۶.
- ۱۷) کمیته فنی سازمان حسابرسی، (۱۳۸۵)، "آئین رفتار حرفه‌ای"، چاپ ششم، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۱۸) مهدوی، غلامحسین و علی‌رضا قهرمانی، (۱۳۹۳)، "ارائه الگویی برای کشف تقلب به وسیله حسابرسان با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی" دانش حسابرسی، ۱۷(۶۷)، صص ۴۵-۷۰.
- ۱۹) مهدوی، محمدصادق، افسانه ادربیسی و احسان رحمانی، (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر دینداری بر اعتماد اجتماعی شهروندان تهرانی"، تحقیقات علوم اجتماعی ایران، ۳(۱)، صص ۱-۱۹.
- ۲۰) میرسندهی، محمد، (۱۳۸۳)، "مطالعه‌ی میزان و انواع دینداری"، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۲۱) نمازی، محمد، (۱۳۸۲)، "نقش پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی"، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، صص ۶۳-۸۷.
- ۲۲) نمازی، محمد و فهیمه ابراهیمی، (۱۳۹۵)، "مدل‌بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۹)، صص ۱-۲۸.
- ۲۳) نمازی، محمد و حسین رجب‌دری، (۱۳۹۶)، "بررسی تعامل سازه‌های الگوی توسعه پایدار اخلاق حرفه‌ای حسابداری با استفاده از فن دیمتل"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۲)، صص ۷۱-۹۰.
- ۲۴) وکیلی‌فرد، حمیدرضا، سعید جبارزاده کنگرلویی و اکبر پوررضا، (۱۳۸۸)، "بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی"، نشریه حسابدار، ۲۴(۲۱)، صص ۳۶-۴۱.

- 25) Alleyne, p. Hudaib, m. & Pike, R, (2013), "Towards a Conceptual Model of Whistle-blowing Intentions among External Auditors", *British Accounting Review* 45(1), PP. 10- 23.
- 26) Allpot, G, (1966), "Religious Context of Prejudice", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 5(3), PP. 447-457.
- 27) Beneish, M. D, (1999), "The Detection of Earnings Manipulation", *Financial Analysts Journal*, 55(5), PP. 24-36.
- 28) Birnberg, J, (2011), "A Proposed Framework for Behavioral Accounting Research", *American Accounting Association*, 23(1), PP. 1- 43.
- 29) Bishop, T.J.F. & Hydoski, F.E, (2009), "Corporate Resiliency: Managing the Growing Risk of Fraud and Corruption", 1st Edition, Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons.
- 30) Brayon, G., James, J.C., & Dean, K, (2020), "Randomizing Religion: the Impact of Protestant Evangelism on Economic Outcomes", the *Quarterly Journal of Economics*, 136(1), PP. 293-380.
- 31) Brennan, N., & Kelly, J, (2007), "A Study of Whistleblowing among Trainee Auditors", *British Accounting Review*, 39(1), PP. 61-87.
- 32) Cai, J. & Shi, G, (2019), "Do Religious Norms Influence Corporate Debt Financing?", *Journal of Business Ethics*, 157, PP. 159-182.
- 33) Campante, F. & David, Y.D, (2015), "Does Religion Affect Economic Growth and Happiness? Evidence from Ramadan", the *Quarterly Journal of Economics*, 130(2), PP. 615-658.
- 34) Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M.F., & McVay, S. E, (2012), "Quantifying Managerial Ability: a New Measure and Validity Tests", *Management Science*, 58 (7), PP. 1229–1248.
- 35) Elias, R.Z, (2004), "The Effect of Corporate Ethical Values on Perceptions of Earnings Management", *Managerial Auditing Journal*, 19(1), PP. 84-98.
- 36) Elgin, C., Goksel, T., Gurdal, M.Y., & Orman, C, (2013), "Religion, Income Inequality, and the Size of the Government", *Economic Modelling*, 30(4), PP. 225-234.
- 37) Glock, C., and Stark, R, (1960-70), "Religion and Society in Tension, Chicago": Rand McNally.
- 38) Gordon W. Allport, (1967), "Basic Considerations for a Psychology of Personality", (Yale University press, U.S.A, Michigan.
- 39) Hulland, J, (1999), "Use of Partial Least Squares (PLS) in Strategic Management Research: A Review of Four Recent Studies", *Strategic Management Journal*, 20(2), PP. 195-204.
- 40) Hwang, D., Staley, B., Chen, Y., & Lan, J, (2008), "Confucian Culture and Whistle-blowing by Professional Accountants: an Exploratory Study", *Managerial Auditing Journal*, 23(5), PP. 504- 526.
- 41) Jensen, M.C. (1998), "*Self-Interest, Altruism, Incentives of Agency Theory*", Foundation of Organizational Strategy. Harvard University Press.
- 42) Kanapickiene, R., Grundiene, Z, (2015), "The Model of Fraud Detection in Financial Statement by Means of Financial Ratios", *Social and Behavioral Sciences*, 213, PP. 321-327.
- 43) Kaplan, S.E. and Whitecottonan, S.M, (2001), "Examination of Auditors' Reporting Intentions When another Auditor Is Offered Client Employment", *A Journal of Practice & Theory*, 20 (1), PP. 45-63.
- 44) McGuire, Sean T., Thomas C. Omer and Dechun Wang, (2012), "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, 87 (3), PP. 975–1003.
- 45) Namazi, M., & Namazi, N. R. (2016), "Conceptual Analysis of Moderator and Mediator Variables in Business Research", *Procedia Economics and Finance*, 36(1), PP. 540- 554.
- 46) Payne, C., S, (2010), "Are Investees Able to Effectively Use Vast Amounts of Information Available on Publicly Traded Companies?", *A Decision Theory Approach to Investor Information Analysis*. Nova University Publishers.
- 47) Pedneault, S, (2010), "Anatomy of a Fraud Investigation from Detection to Prosecution", 1st Edition, Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons.

- 48) Purda, L., and Skillicom, D, (2015), "Accounting Variables, Deception, and a Bag of Words: Assessing the Tools of Fraud Detection", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 32, No. 3, PP. 1193-1223.
- 49) Razali, W. A. A. W. M., and Arshad, R, (2014), "Disclosure of Corporate Governance Structure and the Likelihood of Fraudulent Financial Reporting", *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 145, PP. 243 – 253.
- 50) Robinson, S. N., Robertson, J. C. and M. B. Curtis, (2012), "The Effects of Contextual and Wrongdoing Attributes on Organizational Employees' Whistleblowing Intentions Following Fraud", *Journal of Business Ethics*, Vol. 106, PP. 213–227.
- 51) Rowe, A. & Mason, R, (1987), "Managing With Style: A Guide to Understanding, Assessing, and Improving Decision- Making, San Fransisco, CA: Jossey-Bass Inc., Publishers.
- 52) Sadgali, I, Sael. N & Benabbou, F, (2019), "Performance of Machine Learning Techniques in the Detection of Financial Frauds", *Procedia Computer Science*, 148(2019), PP. 45-54.
- 53) Seifert, D., Sweeney, J., Joireman, J., & Thornton, J. M, (2010), "The Influence of Organizational Justice on Accountant Whistleblowing", *Accounting, Organizations and Society*, 35(7), PP. 707-717.
- 54) Shawver, T.J. and Shawver, L.H, (2015), "Are There Gender Differences When Professional Accountants Evaluate Moral Intensity for Earnings Management?", *Journal of Business Ethics*, Vol. 131, PP. 557-556.
- 55) Singhapakdi, A, (1999), "Perceived Importance of Ethics and Ethical Decisions in Marketing", *Journal of Business Research*, Vol. 45, PP. 89-99.
- 56) Vallar, G., Bisiach, E., Cerizzat, M., & Rusconi, M. L, (1988), "The Role of the Left Hemisphere in Decision-making", *Cortex*, 24(3), PP. 399-410.
- 57) Williams, P.F, (2002), "Modern Accounting Scholarship: the Imperative of Positive Economic Science", North Carolina State University.
- 58) Wise, T, (1995), "An Analysis of Factors Proposed to Affect the Decision to Blow The Whistle on Unethical Acts", Unpublished Doctoral Dissertation, Louisiana Technical University, Ruston.
- 59) Yan Huang, S.H., Lin CH., Chiu A., & Yen, D.C, (2018), "Fraud Detection Using Fraud Triangle Risk Factors", *Journal of Research and Innovation*, 19(6), PP. 1343–1356.

## **Abstract**

---

### **Religiosity, Professional Ethics of Accountants and Financial Reporting Fraud**

Esmail Khoshbakht<sup>1</sup>  
Amirhossein Taebi Noghondari<sup>2</sup>  
Hadis Zeinali<sup>3</sup>

Received: 15/ January /2021      Accepted: 19/ March /2021

#### **Abstract**

The purpose of this paper is to investigate the effect of religiosity on financial reporting fraud by emphasizing the mediating role of accountants' professional ethics in Iran. The research variables were measured through a questionnaire. For this purpose, 400 questionnaires were distributed among the members of the official experts of accounting and auditing justice throughout Iran. Finally, 312 items were accepted for analysis. Structural equation modeling (SEM) was used to test the hypotheses and Amos software was used for analysis. Findings showed that the religiosity of accountants has a negative and significant effect on financial reporting fraud and has a positive and significant effect on the professional ethics of accountants. Also, religiosity causes accountants to have a higher level of ethics, and this higher level of ethics is an effective factor in reducing financial reporting fraud by accountants, which shows the professional ethics of accountants, explains the relationship between their religiosity and reporting fraud.

**Keywords:** Professional Ethics, Religiosity, Financial Reporting Frauds, Structural Equations.

---

<sup>1</sup> Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.  
Email: e.khoshbakht@yahoo.com

<sup>2</sup> Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. Corresponding Author.  
Email: taebi@iauk.ac.ir

<sup>3</sup> Department of Accounting, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.  
Email: hadisazeinali@gmail.com

